

Contemporary Islamic law Debate

A JURISPRUDENTIAL AND LEGAL ANALYSIS OF ISLAMIC TAKAFUL INSURANCE BASED ON THE SETTLEMENT MODEL

Mehdi Rahmani Manshadi¹, Mohammad Mehdi Azizollahi²
Ebrahim Abdipour Fard³, Mahmoud Hekmatniar⁴

1. PhD Student in Private Law, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author). areyo62@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Private Law, University of Qom, Qom, Iran. Mm-Azizollahi@gom.ac.ir
3. Department of Private Law, University of Qom, Qom, Iran. drabdipour@yahoo.com
4. Department of Jurisprudence and Law, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Qom, Iran. dr.hekmatnia@yahoo.com

Abstract

With the introduction of insurance into the Islamic world, the issue of its legitimacy became a subject of debate among jurists. Shia jurists promptly affirmed its legitimacy, and the contract gained widespread acceptance within the Shia world during its first decade, notably with Seyyed Yazdi proposing the framework of “Solh” (Settlement/Reconciliation) for it. In contrast, Sunni jurists raised objections such as “Riba” (usury) and “Gharar” (uncertainty), leading to the development of “Takaful” as an Islamic alternative. Takaful, often referred to as Islamic insurance, conducts insurance operations through Islamic contracts like “Mudarabah” (profit-sharing) and “Wakalah” (agency). Today, the “Waqf” (endowment) model has gained popularity in Pakistan as a basis for Takaful. This article aims to propose the “Solh” model—known as the “Master of Contracts” (Sayyid al-Uqud)—for Takaful and address potential objections. The central question is whether Takaful can be structured as a Solh contract, and if so, what challenges arise and how they can be answered. Objections regarding Gharar,

Cite this article: Rahmani Manshadi, Mehdi, Azizollahi, Mohammad Mehdi, Abdipour Fard, Ebrahim, Hekmatniar, Mahmoud V. (2025). A JURISPRUDENTIAL AND LEGAL ANALYSIS OF ISLAMIC TAKAFUL INSURANCE BASED ON THE SETTLEMENT MODEL. *Contemporary Islamic Law Debate*, 3(5), p. 33-60.
<https://doi.org/10.22034/cild.2026.23285.1196>

Received: 2025/05/14

Revised: 2025/08/11

Accepted: 2025/08/24

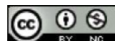
Available online: 2025/09/22

Type of article: Research Article

Publisher: Al-Mustafa International Community

<http://meh.journals.miu.ac.ir/>

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights



the independence of the Solh contract, differences in legal nature, and Article 10 of the Civil Code are examined and addressed. Briefly, using the principle of “Qiyas al-Aulawiyah” (a fortiori argument), it can be argued that if conventional insurance can be legitimized through Solh, Takaful is even more suited to this framework. The Solh model demonstrates greater compatibility with Takaful compared to Mudarabah, Wakalah, or Waqf.

Keywords: Insurance, Takaful, Solh (Settlement), Model, Riba (Usury).

تحلیل فقهی و حقوقی بیمه تکافل اسلامی مبتنی بر الگوی صلح

مهدی رحمانی منشادی^۱، محمد مهدی عزیزاللهی^۲، ابراهیم عبدی پورفرد^۳، محمود حکمت نیا^۴

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول) areyo62@iran.ir

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران mm-azizollahi@gom.ac.ir

۳. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران drabdipour@yahoo.com

۴. استاد، حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران dr.hekmatnia@yahoo.com

چکیده

با ورود بیمه به جهان اسلام، بحث مشروعیت این عقد در میان فقیهان مطرح شد؛ فقیهان شیعه به سرعت حکم به مشروعیت دادند و در همان دهه اول این عقد در جهان شیعه رواج یافت؛ به ویژه سید یزدی که قالب صلح را برای آن پیشنهاد کرد. فقیهان اهل سنت برخی ایرادها از جمله ربا و غرر را وارد دانستند و تکافل را جانشین بیمه کردند. تکافل که از آن به بیمه اسلامی هم یاد می‌شود، همان عملیات بیمه‌ای را در قالب عقود اسلامی از جمله مضاربه و وکالت انجام می‌دهد. امروزه در پاکستان الگوی وقف رواج یافته است و تکافل را بر این اساس بنا نهاده‌اند. این مقاله درصدد است که الگوی صلح را که به سیدالعقود معروف است، برای تکافل پیشنهاد دهد و اشکال‌های محتمل را پاسخ دهد. پرسش اصلی این است که آیا تکافل می‌تواند در قالب صلح منعقد شود؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چه اشکال‌هایی بر این الگو وارد است و چه پاسخی می‌توان ارائه داد؟ اشکال‌های غرر، عدم

استناد به این مقاله: رحمانی منشادی، مهدی، عزیزاللهی، محمد مهدی، عبدی پورفرد، ابراهیم، حکمت نیا، محمود (۱۴۰۴). تحلیل فقهی و حقوقی بیمه تکافل اسلامی مبتنی بر الگوی صلح، ۳(۵)، ص ۳۳-۶۰.

<https://doi.org/10.22034/cild.2026.23285.1196>

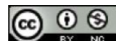
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۴؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

<http://meh.journals.miu.ac.ir/>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: جامعه المصطفی العالمیه

نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند



استقلال عقد صلح، اختلاف ماهیت و ماده ۱۰ قانون مدنی بررسی و پاسخ داده شده است. به اجمال می‌توان به قیاس اولویت متوسل شد که اگر بیمه با وجود استغنا از قالب می‌تواند در قالب صلح مشروعیت یابد، به طریق اولی تکافل محتاج به قالب می‌تواند در قالب صلح درآید و الگوی صلح در مقایسه با مضاربه و وکالت و وقف سازگاری بیشتری با تکافل دارد.

کلیدواژه‌ها: بیمه، تکافل، صلح، الگو، ربا.

مقدمه

بیمه که سابقه‌ای طولانی و کاربردی گسترده در دوران مدرن و پس از انقلاب صنعتی دارد، با ورود به کشورهای اسلامی مورد بحث واقع شد و موضوع تطابق آن با فقه اسلام و صحت آن در چارچوب قواعد شرعی مورد توجه فقیهان مسلمان قرار گرفت. بیشتر فقیهان شیعه بیمه را به مثابه یک عقد مستقل و معتبر پذیرفتند؛ اما فقیهان اهل سنت معتقدند برای اعتبار این عقد باید از برخی عقود دیگر مانند مضاربه یا وکالت بهره گرفت؛ در نتیجه دیدگاه‌های متفاوت درباره مشروعیت بیمه، نهاد تکافل در فقه اسلامی شکل گرفت و سبب شد حقوقدانان مسلمان و فقیهان اهل سنت برای توجیه ماهیت تکافل، عقود متنوعی ارائه دهند. یکی از این عقود، عقد صلح است که در فقه به سیدالعقود معروف است و می‌تواند در توجیه عملکرد این نهاد نقش مؤثری داشته باشد. باید بحث شود که آیا تکافل در قالب صلح می‌تواند به درستی و مطابق با اصول شرعی فعالیت کند یا خیر؟ اشکال‌های آن نیز با توجه به مبانی حقوق اسلامی باید بررسی شود تا پاسخ آنها روشن شود.

پژوهش‌های متعددی تاکنون به موضوع تکافل پرداخته‌اند؛ مثلاً مصطفی رحمتی (۱۴۰۱ ه.ش) در پایان‌نامه خود با عنوان «تحلیل مقایسه‌ای بیمه متداول و تکافل از منظر عدالت اجتماعی در تأمین منافع ذی‌نفعان»، تفاوت‌های بیمه سنتی و تکافل را بررسی می‌کند و دو الگوی تعاونی و انتفاعی در تکافل را مقایسه کرده است. مریم رضایی اول (۱۳۹۹ ه.ش) نیز در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی فقهی و حقوقی بیمه تکافل و بیمه شخص ثالث در حقوق ایران»، به تحلیل انواع عقود از زوایای مختلف می‌پردازد و به طور ویژه بیمه شخص ثالث را از منظر فقهی و حقوقی بررسی کرده است. مریم محمدی (۱۳۹۲ ه.ش) نیز در پایان‌نامه خود به بررسی فقهی - حقوقی نهاد تکافل با توجه به ایرادات فقهی وارد بر بیمه پرداخته است. با این حال، تاکنون هیچ پژوهشی به صورت مستقل به بررسی الگوی صلح در تکافل نپرداخته است و اشکال‌های مختلف آن را تحلیل نکرده است.

این مقاله درصدد است با گردآوری مطالب مرتبط از منابع مختلف مثل کتب تخصصی، مقالات علمی و پایان نامه‌های دانشگاهی، داده‌های موجود را تحلیل کند و تصویری روشن از موضوع ارائه دهد. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی، تحلیلی و استنباطی است و رویکردی کاربردی دارد.

۱. مفاهیم

تکافل به مفهوم همکاری و همیاری جمعی برای جبران خسارات و مدیریت ریسک است که در آموزه‌های فقه اسلامی ریشه دارد. برخلاف بیمه‌های رایج که بر اساس سودجویی و تحمل ریسک فردی شکل گرفته‌اند، تکافل بر اصل تقسیم ریسک و پذیرش مسئولیت مشترک تأکید دارد. این تفاوت بنیادی باعث می‌شود که تکافل به مثابه سیستمی منطبق با اصول شریعت و عدالت اجتماعی به شمار آید. در این بخش مفهوم تکافل در دو قسمت بررسی می‌شود.

۱-۱. معنای لغوی تکافل

تکافل واژه‌ای است که در چارچوب نظام‌های بیمه اسلامی استفاده می‌شود و مبتنی بر مفاهیم تعاون و مشارکت جمعی است که از تعالیم دینی اسلام سرچشمه می‌گیرد. این واژه از کلمه عربی کفالة (اعتصامی و شریف‌زاده، ۱۳۹۲ ه. ش، ص ۱۴۳؛ حبیبی، ۱۴۰۲ ه. ش، ص ۱۷۳؛ پریراد و شکوری، ۱۴۰۰ ه. ش، ص ۵۱؛ جمشیدی و طغیانی دولت‌آبادی، ۱۳۹۸ ه. ش، ص ۳۳؛ عسکری و محمدی، ۱۳۹۲ ه. ش، ص ۱۵۷؛ ویسی، ۱۳۹۸ ه. ش، ص ۳۶) مصدر مشتق باب تفاعل (سجادی، ۱۴۰۱ ه. ش، ص ۷) از ریشه ک، ف، ل است (جلیلی، ۱۳۹۳ ه. ش، ص ۱۳؛ کیخافرزانه، ۱۳۹۱ ه. ش، ص ۴۷؛ جوادی پور و همکاران، [بی‌تا]، ص ۸؛ جمشیدی و طغیانی دولت‌آبادی، ۱۳۹۸ ه. ش، ص ۳۳؛ همتی و دیگران، ۱۴۰۰ ه. ش، ص ۶۸؛ کیخافرزانه و دیگران،

۱۳۹۴ هـ.ش، ص ۱۳۲؛ امیرپور، ۱۳۹۷ هـ.ش، ص ۱۳) وهم معنا با تأمین اجتماعی و همیاری عمومی (جلیلی، ۱۳۹۳ هـ.ش، ص ۱۴؛ محمدی مهر، ۱۳۸۵ هـ.ش، ص ۱۰۰) و به معانی ضمانت (جلیلی، ۱۳۹۳ هـ.ش، ص ۱۳؛ سجادی، ۱۴۰۱ هـ.ش، ص ۷)، تضمین مشترك (جمشیدی و طغیانی دولت آبادی، ۱۳۹۸ هـ.ش، ص ۳۳؛ میرزایی و میرزاخانی، ۱۳۸۴ هـ.ش، ص ۳۲)، تضمین یکدیگر (رضوی اقدم، ۱۳۸۶ هـ.ش، ص ۴)، ضمان مشترك (اعتصامی و شریف زاده، ۱۳۹۲ هـ.ش، ص ۱۴۳؛ حبیبی، ۱۴۰۲ هـ.ش، ص ۱۷۳؛ پریراد و شکوری، ۱۴۰۰ هـ.ش، ص ۵۱؛ تفرشی و دیگران، ۱۳۹۷ هـ.ش، ص ۵۲؛ سیدنورانی و دیگران، ۱۳۹۰ هـ.ش، ص ۸۹؛ Archer, 2009, p 6؛ Jaffar, 2007, p 88)، ضمانت طرفینی و مسئولیت مشترك (Salahuddin, 2006, p 512)، کمک متقابل میان گروهی (جوادی پور و همکاران، [بی تا]، ص ۱۱؛ جمشیدی و طغیانی دولت آبادی، ۱۳۹۸ هـ.ش، ص ۳۳؛ Norazah, 2002, p 32؛ B0illah, 2003, p 10) و مساعدت و کمک (جمشیدی و طغیانی دولت آبادی، ۱۳۹۸ هـ.ش، ص ۳۳؛ خیاط، ۱۳۹۲ هـ.ش، ص ۷۲) به کار رفته است. در کتاب المنجد آمده است که تکافل القوم یعنی افراد آن قوم ضامن یکدیگر شدند (معلوف، ۱۳۸۰ هـ.ش، ج ۲، ص ۳۸۶) و تکافل به معنای ضمانت متقابل (حبیبی، ۱۴۰۲ هـ.ش، ص ۱۷۳؛ پریراد و شکوری، ۱۴۰۰ هـ.ش، ص ۵۱؛ ویسی، ۱۳۹۸ هـ.ش، ص ۳۶؛ معلوف، ۱۳۸۰ هـ.ش، ج ۲، ص ۳۸۶) است. بنابراین تکافل به معنای تضمین متقابل (معصوم بالله، ۱۳۸۹ هـ.ش، ص ۶۰؛ عسکری و محمدی، ۱۳۹۲ هـ.ش، ص ۱۵۷) و ضمانت و حمایت متقابل (رضوی اقدم، ۱۳۸۶ هـ.ش، ص ۸) و ضمانت متقابل و مسئولیت مشترك (آقا مهدوی و دیگران، ۱۳۸۸ هـ.ش، ص ۱۲۵؛ Salahuddin, 2006, p 512) است.

۲-۱. معنای اصلاحی تکافل

تکافل در جایگاه مفهومی بیمه ای، روشی برای مدیریت ریسک های مالی است که در آن افراد با همکاری و مشارکت جمعی منابع مالی را گردآوری می کنند تا در زمان وقوع

خسارت‌ها به یکدیگر کمک کنند. این نظام بر اساس اصل تعاون استوار است و اصول آن به گونه‌ای تنظیم شده است که با فقه اسلامی همخوانی داشته باشد. اعضای صندوق یا شرکت تکافل داوطلبانه در تأمین منابع مالی مشارکت می‌کنند تا در مواجهه با حوادث ناگهانی، خسارت‌های وارد شده به هر یک از اعضا از منابع مشترک جبران گردد. در واقع این نظام بر مبنای هدف مشترک و همکاری اجتماعی و تعهد اخلاقی شکل گرفته است. یکی از ویژگی‌های کلیدی تکافل، تعهد اعضا به یاری و حمایت متقابل است. این تعهد نه تنها یک قرارداد مالی، بلکه نوعی مسئولیت اخلاقی و اجتماعی است که هر عضوا را در برابر سایر اعضا متعهد به کمک می‌کند. قراردادهای همکاری متقابل مبتنی بر اشتراک منافع و مسئولیت‌ها و همچنین پیوند برادری در مواجهه با خطرها و حوادث غیرمنتظره است که در آن انتظار می‌رود اعضا با نیت خالصانه با یکدیگر همکاری داشته باشند (محمدی مهر، ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۲۲؛ کیخا فرزانه و دیگران، ۱۳۹۴ ه.ش، ص ۱۲۶). در این چارچوب، اعضا حق بیمه خود را مشترک به صندوقی واریز می‌کنند که مسئولیت پرداخت خسارت‌ها و ارائه خدمات بیمه‌ای را بر عهده دارد. قراردادهای تکافل بر اساس اصول فقهی تنظیم می‌شوند و تعهدات اعضا در زمینه کمک متقابل، جمع‌آوری و مدیریت منابع را مشخص می‌کنند. این قراردادها از لحاظ حقوقی و شرعی، شکل مشخصی دارند تا اطمینان حاصل شود که فعالیت‌های مالی و بیمه‌ای با رعایت کامل قوانین اسلامی انجام می‌پذیرد؛ همچنین سرمایه‌گذاری منابع در تکافل باید مطابق با موازین شرعی صورت گیرد. تکافل سیستمی مبتنی بر مشارکت و همکاری (حبیبی، ۱۴۰۲ ه.ش، ص ۱۶۴) است که ساختاری را فراهم می‌آورد تا اعضا نه تنها در جایگاه بیمه‌گذار، بلکه مالک و مدیر نیز شناخته می‌شوند. این امر سبب افزایش شفافیت، اعتماد و مسئولیت‌پذیری در میان اعضا می‌شود. بدین ترتیب نظام تکافل افزون بر فراهم کردن پوشش بیمه‌ای، به مثابه بستری اجتماعی عمل می‌کند و به تقویت روحیه تعاون و همدلی در بین افراد می‌پردازد.

از دیدگاه فقیهان اهل سنت (قره‌داغی، ۲۰۰۹م، ص ۲۱۰؛ ملحم، ۲۰۱۲م، ص ۱۲۳؛ زحیلی، ۲۰۰۸م، ص ۲۰۹)، تکافل جایگزینی برای بیمه‌های متعارف شناخته شده است که بسیاری از فعالان بیمه اسلامی به کار می‌گیرند. بیمه زمانی از منظر شرعی پذیرفتنی است که با هدف حمایت از افراد در برابر خطرهای مشخص، بر اساس اصولی مانند مسئولیت مشترک، همکاری متقابل و توافق جمعی شکل گرفته باشد. تکافل از نظر اقتصادی به معنای تضمین و حمایت متقابل میان اعضای یک گروه یا جامعه در برابر خطرهای حوادث ناگوار است که ممکن است زندگی، دارایی‌ها یا سایر منافع مهم آنها را تحت تأثیر قرار دهد. بر این اساس، تکافل را می‌توان نوعی بیمه مشارکتی تلقی کرد (کیخا فرزانه، ۱۳۹۱هـ.ش، ص ۴۷؛ معصوم بالله، ۱۳۸۹هـ.ش، ص ۶۰، برگرفته از مصاحبه با احمد مظان ذوالکفلی، مشاور تکافل در BIRT مالزی). تکافل در ماهیت خود، مجموعه‌ای از قراردادها و توافق‌های داوطلبانه میان اعضاست که هدف آن ایجاد حمایت مالی جمعی و تقسیم ریسک‌ها می‌باشد. این نظام به گونه‌ای طراحی شده است که همه اعضا در معرض خطرهای و منافع ناشی از این همکاری شریک باشند و با پذیرش مسئولیت متقابل، به طور جمعی به مقابله با مشکلات مالی می‌پردازند.

تکافل افزون بر جنبه‌های اقتصادی، نقش چشمگیری در تقویت ارتباطات اجتماعی و ارتقای همبستگی در جوامع اسلامی ایفا می‌کند. این مفهوم در سال‌های اخیر به مثابه یکی از ابزارهای مؤثر در نظام‌های مالی اسلامی شناخته شده است که با ترکیب اصول تعاون، مسئولیت‌پذیری و شفافیت، چارچوبی قابل قبول برای پوشش ریسک و محافظت از اعضا فراهم می‌آورد. دوابه (۲۰۱۶م) به تکافل این‌گونه اشاره کرده است: «این بیمه به نام بیمه تکافلی شناخته می‌شود؛ زیرا مشترکین در جبران خساراتی که به یکی از آنها وارد می‌شود، با هم تکافل (همبستگی) دارند. همچنین به آن بیمه تعاون گفته می‌شود؛ زیرا مشترکین در این زمینه با هم همکاری می‌کنند. همچنین به آن بیمه تبادلی گفته می‌شود؛ زیرا مشترکین

به صورت متقابل در تحمل خساراتی که به هر یک از آنها در صورت وقوع خطر بیمه شده وارد می‌شود، مشارکت دارند» (دوابعه، ۲۰۱۶م، ص ۴).

ملحم تعریف بیمه تکافل را چنین به نگارش درآورده است: «قرارداد بیمه گروهی که بر اساس آن هر یک از مشترکین متعهد می‌شود مبلغ معینی از پول را به منظور همکاری و همبستگی با سایر مشترکین برای جبران خسارت دیدگان از طریق کمک داوطلبانه پرداخت کند. مدیریت عملیات بیمه در این قرارداد توسط شرکت تخصصی بیمه به عنوان نماینده و با دستمزد مشخص انجام می‌شود» (ملحم، ۲۰۱۲م، ص ۱۸). طبق قانون خدمات مالی اسلامی مالزی مصوب ۲۰۱۳ «تکافل در اصطلاح، قراردادی است مبتنی بر همکاری متقابل که در آن مشارکت‌کنندگان توافق می‌کنند مبلغی را به طور مشترک برای همکاری متقابل مالی پرداخت کنند که در صورت وقوع حادثه مورد توافق، این مبلغ به ذی‌نفعان پرداخت شود» (پوراسماعیلی و برزوئی، ۱۳۹۸هـ.ش، ص ۱۱۰؛ برای دیدن تعریف قانون ۱۹۸۴ مالزی، ر.ک: جمشیدی و طغیانی دولت‌آبادی، ۱۳۹۸هـ.ش، ص ۳۳). با گذر زمان، تنوع محصولات تکافل به وجود آمده است و تعریف ملحم فقط یکی از انواع تکافل و آن هم تکافل به صورت ارائه پنجره توسط بیمه‌های متعارف را دربر می‌گیرد؛ درحالی‌که تکافل امروزه انواع مختلفی پیدا کرده است و توسط شرکت‌های غیربیمه متعارف یعنی شرکت‌های مستقل تکافل هم ارائه می‌شود؛ ازاین‌رو تعریف قانون خدمات مالی اسلامی مالزی مصوب ۲۰۱۴ تعریف جامع‌تری از تعریف ملحم محسوب می‌شود.

۲. الگوی صلح

صلح در لغت به معنای سازش، آشتی، توافق و پایان دادن به نزاع آمده است. این واژه در متون حقوقی و فقهی نیز کاربرد گسترده‌ای دارد و از جمله نهادهای مهم در تنظیم روابط حقوقی میان افراد به شمار می‌رود. صلح در اصطلاح فقهی، قراردادی است که به موجب آن یک طرف با طرف دیگر به توافق می‌رسد که بخشی از مال یا منفعت مال خود را به

او منتقل کند یا از حقی که به آن دارد، صرف نظر نماید؛ این توافق ممکن است در برابر دریافت عوض باشد یا بدون دریافت هیچ‌گونه عوضی محقق شود (موسویان، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۲۴۷؛ خضرزاده اردکانی، ۱۴۰۰ ه.ش، ص ۹). برخلاف تصور رایج که صلح را تنها در زمینه پایان دادن به منازعات می‌داند، این عقد در فقه اسلامی دارای گستره‌ای وسیع‌تر است. صلح می‌تواند به مثابه ابزاری برای انتقال مالکیت، رفع ابهام در حقوق متنازع‌فیه یا حتی تنظیم روابط اقتصادی استفاده شود. این عقد به سبب انعطاف‌پذیری و دامنه شمول گسترده، در بسیاری از موارد جایگزین سایر عقود مانند بیع، اجاره، یا هبه می‌شود؛ به‌ویژه زمانی که به دلایل خاصی شرایط انعقاد آن عقود فراهم نباشد. صلح از نظر فقهی، یک عقد لازم محسوب می‌شود؛ به این معنا که پس از انعقاد، هیچ‌یک از طرفین نمی‌توانند آن را یک‌جانبه فسخ کنند، مگر در صورت وجود خیار یا توافق طرفین. این ویژگی صلح را به یکی از ابزارهای مؤثر در تثبیت روابط حقوقی و جلوگیری از بروز اختلافات آینده تبدیل کرده است. در نتیجه عقد صلح افزون بر کارکردهای سنتی خود در حل و فصل اختلافات، یکی از ابزارهای منعطف در عرصه معاملات مالی، انتقال حقوق و مدیریت روابط اقتصادی و اجتماعی در نظام حقوقی اسلامی شناخته می‌شود.

۳. اشکال‌های مطرح‌شده و جواب

بقا و عدم حل مشکل غرر: تکافل از انواع جدید بیمه محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای در تعریف تکافل کلمه بیمه هم آمده است (ملحم، ۲۰۱۲ م، ص ۱۸). اصول شورای خدمات مالی اسلامی (رقم ۱، سال ۲۰۰۹ م) تکافل را بیمه اسلامی در مقابل شق بیمه تجاری دانسته است که مشارکت‌کنندگان در برابر هم تعهد به معاونت یکدیگر در برابر تحمل خسارت می‌کنند. درحقیقت ادعای تکافل این است که همان کارکردهای بیمه را دارد؛ ولی معایب آن را از جمله ربا و ضرر و غرر ندارد (المبادی مجلس الخدمات المالیه السلامیه، ۲۰۰۹ م، ص ۲).
 عده‌ای از حقوق‌دانان گفته‌اند عقد صلح اگرچه نوعی عقد مسامحه‌ای به شمار می‌آید،

به دلیل اینکه یک عقد معاوضه‌ای است، نباید در آن غرر وجود داشته باشد؛ از این رو با توجه به اینکه در قرارداد بیمه غرر وجود دارد، نمی‌توان بیمه را در قالب عقد صلح منعقد کرد (اباذری، ۱۳۹۲ ه.ش، ص ۱۰۶). این دیدگاه بر این اساس استوار است که غرر به معنای عدم قطعیت و ابهام شدید در موضوع قرارداد است و در حقوق مدنی به طور کلی عقود غرری قابل انعقاد نیستند یا ابطال می‌شوند. بنابراین به نظر برخی وجود غرر در بیمه موجب می‌شود تا عقد بیمه قابل تحلیل به عنوان عقد صلح نباشد؛ از این رو استفاده از قالب صلح برای انعقاد بیمه صحیح نیست. اما این ایراد چندان وارد نیست و نمی‌تواند مانع از پذیرفتن عقد صلح در مواردی شود که قانون‌گذار به آن توجه کرده است؛ زیرا ماده ۷۶۱ قانون مدنی مقرر داشته است که صلحی که در مورد رفع تنازع یا مبنی بر تسامح باشد، عقدی قاطع و قطعی بین طرفین است و هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند آن را به صرف ادعای غبن یا ضرر فسخ کند؛ مگر در مواردی که تخلف شرط یا اشتراط خیار وجود داشته باشد. از سوی دیگر، در ماده ۷۵۷ قانون مدنی نیز آمده است که عقد صلح بلاعوض نیز جایز است؛ یعنی عقد صلح می‌تواند بدون معاوضه مالی یا مادی منعقد شود. این موضوع نشان می‌دهد که اصل تسامح و مصالحه در عقد صلح بر وجود شرایط دقیق و کامل یک معامله معوض مقدم است. بنابراین ایراد غرر در اینجا از اساس سست است؛ چراکه از لحاظ حقوقی غبن و عدم رعایت توازن کامل در عقد صلح به معنی بطلان یا فساد عقد نیست و عقد صلح می‌تواند با وجود تفاوت‌های اقتصادی یا غبن یکی از طرفین نیز صحیح و نافذ باقی بماند. این اصل نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری و تسامح قانون‌گذار در روابط حقوقی مبتنی بر صلح است که هدف اصلی آن، تسریع در رفع اختلافات و تأمین مصالح اجتماعی نه دقت صرف در شرایط و اوصاف عقد معاوضه‌ای است. به همین دلیل نباید از دیدگاه صرف وجود غرر در بیمه یا هر عقد مشابه به طور مطلق نتیجه گرفت که چنین عقدی نمی‌تواند در قالب صلح تنظیم شود، بلکه باید به متن قانون و روح حاکم بر مقررات مربوط به صلح توجه داشت که نشان می‌دهد مصالحه و تسامح در انعقاد این نوع عقود در اولویت است و شرط

قطعیت و توازن کامل عقد، به اندازه سایر عقود معاوضه‌ای سخت‌گیرانه نیست (اباذری، ۱۳۹۲ ه.ش، ص ۱۰۶).

از لحاظ ماهیت: از لحاظ شکلی و ماهوی، بیمه شباهتی با صلح ندارد؛ زیرا صلح نوعی توافق و سازش است که زمانی بین طرفین به وجود می‌آید که اختلاف یا نزاعی بالفعل یا بالقوه میان آنها وجود داشته باشد. در واقع صلح راهکاری حقوقی است برای پایان دادن به نزاع یا جلوگیری از بروز اختلاف در آینده که معمولاً بر سر موضوعات مختلفی مثل معاملات، دعاوی مالی یا سایر موارد حقوقی مطرح می‌شود. در این وضعیت، طرفین با اراده و رضایت خود اختلاف یا احتمال نزاع را از طریق توافقی مسالمت‌آمیز خاتمه می‌دهند؛ اما بیمه برخلاف صلح، در مقام فصل خصومت یا حل اختلافات حقوقی نیست. بیمه قراردادی است که برای جبران خسارت‌ها و ریسک‌های مالی احتمالی تنظیم می‌شود و هدف آن حفاظت از منافع طرفین در برابر رویدادهای نامطمئن و پیش‌بینی‌ناپذیر است. در بیمه، طرفین پیشاپیش توافق می‌کنند که در صورت بروز خطر مشخصی، جبران زیان صورت گیرد، بدون اینکه لزوماً اختلاف یا نزاعی بین آنها وجود داشته باشد.

به عبارت دیگر، صلح ناظر به رفع یا جلوگیری از نزاع حقوقی و اختلاف بین افراد است. در ماده ۷۵۲ قانون مدنی نیز به این نکته اشاره می‌شود که صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود باشد یا برای جلوگیری از تنازع احتمالی در موضوع معامله یا امور دیگر انجام گیرد؛ در حالی که بیمه مبتنی بر ایجاد امنیت و تضمین مالی در برابر خطرهای احتمالی است و بیشتر ماهیتی پیشگیرانه و حمایتی تا حل اختلاف دارد. بنابراین ماهیت، هدف و عملکرد حقوقی بیمه با صلح کاملاً متفاوت است. بر همین اساس گفته‌اند بیمه از لحاظ شکلی شباهتی با صلح ندارد؛ چون صلح در مواردی است که اختلافی بین طرفین وجود دارد؛ در این حالت می‌توانند اختلاف خود را به صلح خاتمه دهند، در حالی که بیمه در مقام فصل خصومت نیست (اباذری، ۱۳۹۲ ه.ش، ص ۱۰۶).

به این اشکال‌ها می‌توان پاسخ داد که عقد صلح در فقه اسلامی یکی از پرکاربردترین و با

این وجود، پرمناقشه‌ترین عقود محسوب می‌شود؛ به‌ویژه از حیث ماهیت و قلمرو کاربرد آن دیدگاه‌های گوناگونی میان فقیهان امامیه در دوره‌های مختلف وجود داشته است. اگر به منابع فقهی پیش از دوره متأخر رجوع کنیم، مشاهده می‌شود که صلح عمدتاً به مثابه ابزاری برای پایان دادن به خصومت و قطع نزاع شناخته شده است.

فقیهان مانند ابن حمزه در قرن ششم هجری، عقد صلح را «پایان دادن به دعوا میان دو طرف درگیر در نزاع» تعریف کرده‌اند (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸هـ، ص ۲۸۳). این نگاه در دیدگاه دیگران چون علامه حلی و شهید اول و آثار متأخرانی و حتی برخی از شارحان مکاسب نیز به اشکال مختلف تکرار شده است (علامه حلی، ۱۴۱۳هـ، ص ۱۷۲؛ مغنیه، ۱۴۲۱هـ، ج ۴، ص ۸۵؛ جلیلی، ۱۳۹۳هـ.ش، ص ۱۰۷ - ۱۱۰؛ نجفی، [بی‌تا]، ج ۲۶، ص ۲۱۰؛ حسینی عاملی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۲۵۴). فقیهان اهل سنت نیز شبیه همین تعریف را کرده‌اند (الزحیلی، ۲۰۰۸م، ج ۵، ص ۲۹۳؛ الشربینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۷۷؛ الشربینی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۳۰۴). در این تلقی، عقد صلح ماهیتی محدود دارد و اساساً برای رفع منازعات بالفعل یا پیش‌بینی شده به کار می‌رفته است. با این حال، روند تحول اندیشه فقهی به‌ویژه پس از دوره شیخ انصاری، نشان می‌دهد که بسیاری از فقیهان از جمله امام خمینی (ره)، با رویکردی موسع به تحلیل این عقد پرداخته‌اند. ایشان در تحریر الوسیله با اشاره به وضعیت‌هایی که برخی جهات عقد نامعلوم و مجهول است، تصریح می‌فرمایند که چنین جهالتی در عقد صلح خللی وارد نمی‌کند؛ برای مثال در حالتی که مال دو نفر با یکدیگر آمیخته شده و امکان تعیین دقیق سهم هر یک وجود ندارد، طرفین می‌توانند با یکدیگر صلح کنند؛ حتی اگر به ابزار سنجش یا راه‌های رفع جهالت دسترسی داشته باشند، باز هم صحت صلح محفوظ است. این فتوای فقهی در بردارنده نکته‌ای عمیق و بنیادین است: عقد صلح به لحاظ فقهی عقدی با قلمروی گسترده، انعطاف‌پذیر و در خدمت تنظیم روابط مالی و اجتماعی است؛ نه صرفاً ابزاری برای خاتمه دادن به خصومت. از این منظر، عقد صلح را باید یکی از ظرفیت‌های مرفقی فقه اسلامی دانست که با بهره‌گیری از اصل تراضی، مسیر

حل و فصل پیشینی اختلافات را هموار می‌کند و از بروز تنش‌ها و تعارضات در آینده نیز پیشگیری می‌کند. بنابراین با گذر زمان و تعمیق مباحث فقهی، این تلقی محدود از عقد صلح مورد بازنگری قرار گرفت. در مجموع بسیاری از فقیهان امامیه و نیز فقیهان حنفیه (زاهد بخاری، [بی تا]، ص ۸۶؛ حصکفی حنفی، ۱۴۱۵ هـ، ص ۱۸۸) بر این باورند که نه تنها وقوع خصومت پیشینی، بلکه حتی احتمال بروز اختلاف نیز از ارکان تحقق عقد صلح به شمار نمی‌رود. آنان بر این نکته تأکید دارند که عقد صلح، عقدی عام است که می‌تواند در تنظیم و تثبیت توافقات مالی، بدون هیچ‌گونه زمینه نزع یا اختلاف به کار گرفته شود. بر همین اساس، هرچند ممکن است واژه «صلح» در نگاه نخست ذهن را به نزع و اختلاف معطوف کند، اما واقعیت آن است که در فقه اسلامی، عقد صلح مفهومی بسیار گسترده‌تر دارد. این عقد نه تنها سازوکاری برای پایان دادن به نزع است، بلکه یکی از ابزارهای مهم برای تسهیل روابط اقتصادی و تحقق رضایت طرفین در تعاملات مالی شناخته می‌شود (جلیلی، ۱۳۹۳ هـ.ش، ص ۱۰۷ - ۱۱۰).

امکان نداشتن بیمه در قالب صلح به دلیل مستقل نبودن عقد صلح: یکی از مباحث مهم و مورد اختلاف میان فقیهان اسلامی، بررسی ماهیت عقد صلح از منظر فقهی و حقوقی است. پرسش اصلی آن است که آیا عقد صلح در جایگاه یکی از عقود معین در فقه و حقوق، دارای استقلال و هویت حقوقی مستقل است یا صرفاً صورتی از سایر عقود است و در حکم فرعی از بیع، اجاره و مانند آن محسوب می‌شود؟ فقیهان اهل سنت ماهیت عقد صلح را نه مستقل، بلکه تابع سایر عقود می‌دانند (الزحیلی، ۲۰۰۸ م، ج ۵، ص ۲۹۸). به بیان دیگر، صلح در نزد این گروه از فقیهان، صرفاً یک قالب ظاهری برای تحقق آثاری است که اصل آنها در عقود نظیر بیع، اجاره یا هبه نهفته است. بنابراین چنانچه صلح ناظر بر انتقال مالی در برابر عوض باشد، در حکم بیع خواهد بود؛ اما اگر بر انتقال منفعت مبتنی باشد، آثار عقد اجاره را خواهد داشت. به نظر سیوطی صلح جای یازده چیز یعنی بیع، سلم، فسخ، ابراء، اجاره، عاریه، هبه، معاوضه بر قصاص عمد، خلع و فداء می‌آید (سیوطی،

۱۴۱۵ هـ، ص ۳۳۶). شافعیه هم قائل به این قول است که صلح متفرع بر پنج عقد بیع، هبه، اجاره، ابراء و عاریه است (طوسی، [بی تا]، ص ۲۸۸). بر این اساس، فقیهان اهل سنت برای عقد صلح ماهیتی مستقل قائل نیستند و آن را از حیث آثار و احکام، وابسته به سایر عقود می دانند (صادقی، شایق نیک نفس، ۱۳۹۶ هـ.ش، ص ۵۰)؛ در نتیجه اصول و شرایط صحت آن نیز تابع قواعد همان عقود خواهد بود که صلح از حیث نتیجه با آنها هم راستاست. در فقه امامیه، عقد صلح نزد بیشتر فقیهان شیعه، نهادی مستقل شناخته می شود (نجفی، [بی تا]، ج ۲۶، ص ۲۱۲؛ طباطبایی، [بی تا]، ص ۳۴۳) که پهنای وسیعی برای شمول دارد (دادمرزی، ۱۳۹۲ هـ.ش، ص ۳۵۰ - ۳۵۲؛ مجدآبادی فراهانی و اصغری، ۲۰۲۵ م، ص ۱۲۴) و به مثابه سید حکم‌ها از آن نام برده‌اند (قزوینی، [بی تا]، ص ۲۷) که می تواند به جای همه عقود غیرنکاح بیاید (طباطبایی، [بی تا]، ص ۳۴۳) بدون اینکه احکام خاص آن عقد را داشته باشد؛ بنابراین اگر مالی به جای هبه صلح گردد، قبض در آن شرط صحت نیست (خمینی، ۱۳۹۹ هـ.ش، ج ۲۲، ص ۵۹۷) که حتی در مواردی که هیچ گونه نزاع یا اختلافی میان طرفین وجود ندارد، می تواند در جایگاه ابزار حقوقی معتبر استفاده شود. بیشتر فقیهان شیعه بر این باورند که صلح عقدی است قائم به ذات که نه تنها برای رفع خصومت، بلکه در مقام معاملات و ترتب آثار حقوقی از قابلیت اجرایی برخوردار است. از نظر آنها اگرچه صلح فایده عقد دیگری داشته باشد، این وحذف مسبب مستلزم وحدت سبب نیست.

۴. مشروعیت الگوی تکافل در قالب صلح

در میان مذاهب اسلامی، اهل سنت بر این باورند که صلح نوعی عقد است که با هدف رفع منازعات و اختلافات بین طرفین منعقد می شود و لازمه تحقق آن، رضایت کامل هر دو طرف است؛ از این رو در الگوهای تکافلی که عالمان اهل سنت طراحی کرده‌اند، به دلیل دیدگاه‌های فقهی موجود، عقد صلح به مثابه مبنای قراردادهای بیمه‌ای مورد پذیرش و

استفاده قرار نمی‌گیرد (آزادبخت و رشکوئیه جدیدی، ۱۴۰۳ هـ.ش، ص ۳۶۵). در فقه امامیه، نخستین فقیهی که به طور جدی و مستند به تطبیق قرارداد بیمه بر عقد صلح پرداخت و مشروعیت آن را از این طریق اثبات کرد، سید محمد کاظم یزدی (ره) است (آزادبخت و رشکوئیه جدیدی، ۱۴۰۳ هـ.ش، ص ۳۶۸)؛ همچنین از نظر فقیهان شیعه، آیت‌الله گلپایگانی بیمه را نوعی از عقد صلح دانسته‌اند و معتقدند اگر فردی مبلغی را به شرکت بیمه به عنوان صلح پرداخت کند و شرط نماید که در صورت وقوع خسارت بر جان، مال، خودرو یا منزل وی، شرکت بیمه موظف به جبران آن خسارت باشد، چنین صلحی صحیح و الزام‌آور خواهد بود (گلپایگانی، ۱۴۱۳ هـ.ش، ص ۴۸۸). همچنین آیت‌الله سید حسن مرعشی بیمه را از مصادیق عقد صلح می‌داند (مرعشی، ۱۳۶۷ هـ.ش، ص ۵۰۲). برخی از فقیهان نیز معتقدند بیمه را می‌توان تحت قالب باب صلح تنظیم کرد؛ به این ترتیب که طرفین بر سر موضوعی توافق می‌کنند که شرکت بیمه در جایگاه یکی از طرفین، خسارت وارد شده به طرف دیگر را جبران کند، مشروط بر اینکه بیمه‌گذار مبلغی را به عنوان وجه یا قسط به شرکت بیمه پرداخت کند. به همین ترتیب بیمه‌گذار ممکن است هر ماه مبلغ مشخصی را به شرکت بیمه پرداخت کند و در مقابل، شرکت بیمه تعهد نماید که اگر خسارتی به جان یا مال وی وارد شد، آن را جبران کند. بدین ترتیب بیمه‌گذار اموال خود را قسط‌بندی شده با شرکت بیمه به عنوان عقد صلح واگذار می‌کند و شرط می‌کند که اگر در اموال وی حادثه‌ای مانند آتش‌سوزی، غرق شدن، سرقت یا تلف رخ دهد، شرکت بیمه آن را جبران خواهد کرد و شرکت بیمه این شرط را می‌پذیرد؛ از این رو عقد بیمه را می‌توان نوعی صلح مشروط به تحمل خسارت دانست (گرچی، ۱۳۸۶ هـ.ش، ج ۱، ص ۳۰). اگرچه در عمل، قراردادهای بیمه عمر معمولاً به شکل مصالحه منعقد نمی‌شود و طرفین در لحظه عقد، قصد تصالح ندارند، اما انعقاد این قراردادها در قالب عقد صلح نیز تحقق‌پذیر است. فقیهان ضمن اشاره به این موضوع، بیمه را در جایگاه عقدی مستقل به رسمیت شناخته‌اند (سبزواری، ۱۴۲۳ هـ.ش، ج ۱، ص ۲۲۱).

آیت الله موسوی اردبیلی نیز بیمه را عقدی مستقل می‌داند که می‌توان آن را تحت عنوان برخی از عقود مانند صلح به اجرا گذاشت. (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۰ ه. ش، ص ۴۱۲)؛ همچنین شیخ محمدحسین حلی، آیت الله حسین وحید خراسانی، آیت الله حسین نوری همدانی، آیت الله مرتضی مطهری و سید محمد صادق روحانی تحت صلح صحیح دانسته‌اند (آزادبخت و رشکوثیه جدیدی، ۱۴۰۳ ه. ش، ص ۳۶۸). در چارچوب این عقد، بیمه می‌تواند بر اساس توافق و تسالم میان بیمه‌گر و بیمه‌گذار صورت گیرد؛ به گونه‌ای که بیمه‌گذار تعهد به پرداخت حق بیمه به صورت نقد یا اقساط نماید و در مقابل، بیمه‌گر متعهد شود در صورت وقوع خسارت، جبران آن را بر عهده گیرد. بنابراین چون عقد صلح یکی از عقود مستقل در فقه و حقوق است و ارتباط با سایر عقود ندارد و به دلیل استقلال عقد صلح، قواعد و شرایط خاص خود را داراست، این نوع انعقاد بیمه، مبنای حقوقی محکمی دارد که تفاوت آن را با سایر توجیه‌ها مشخص می‌کند (جلیلی، ۱۳۹۳ ه. ش، ص ۴۴).

۵. صلح و بی‌نیازی از الگویی طبق ماده ۱۰ قانون مدنی

برخی از پژوهشگران حوزه فقه از جمله آقامهدوی و دیگران (۱۳۸۸ ه. ش) معتقدند قرارداد تکافل، ترکیبی از چند عقد معین و رایج در فقه اسلامی است که شامل هبه، مضاربه (در قالب تکافل مضاربه‌ای) و قرض الحسنه می‌شود. هر یک از این عقود مستقل هدفی مشخص و محدود دارد؛ برای نمونه عقد مضاربه صرفاً به مشارکت در سود حاصل از سرمایه‌گذاری می‌پردازد، هبه به انتقال مال به صورت بلاعوض اختصاص دارد و قرض الحسنه به اعطای وام بدون بهره با تعهد بازپرداخت اشاره دارد. با این حال، هدف اصلی در قرارداد تکافل که عبارت است از تأمین مالی در برابر مخاطرات احتمالی، از اهداف هر یک از این عقود به تنهایی متمایز است. اگرچه در ساختار قرارداد تکافل از سه عقد یاد شده بهره گرفته شده است، ماهیت این قرارداد به گونه‌ای است که اهداف نهایی آن

با مقاصد هر یک از این عقود منفرد متفاوت است؛ به همین دلیل قرارداد تکافل را می‌توان یک عقد مرکب و نوظهور تلقی کرد که با ماهیت عقود پایه به صورت مجزا مطابقت ندارد. در این چارچوب، ضروری است که متعاقدین در قرارداد تکافل، شرایط عمومی صحت عقد نظیر بلوغ، عقل، اختیار و رشد را دارا باشند و همچنین شرایط اختصاصی حاکم بر عقود هبه، مضاربه و قرض الحسنه نیز باید در این قرارداد لحاظ شود. بنابراین برخی محققان از جمله جلیلی (۱۳۹۳ه.ش) با این دیدگاه مخالفت کرده‌اند و معتقدند اشکال مختلف قرارداد تکافل که بر مبنای وکالت، مضاربه و سایر عقود تنظیم شده‌اند، در قالب همان عقود پایه تعریف شده‌اند؛ در حالی که این قرارداد تکافل از نظر ساختاری مشتمل بر چند عقد مجزا هستند و هدف نهایی آن با اهداف عقود پایه متفاوت است. بنابراین به نظر می‌رسد توصیف قراردادهای تکافل صرفاً در قالب عقد مضاربه، وکالت یا دیگر عقود معین، کافی نیست و ناکارآمد است و می‌بایست عقدی جدید دانست (جلیلی، ۱۳۹۳ه.ش، ص ۱۲۰). با توجه به توضیحات ایشان که بیان می‌دارند از منظر حقوقی نیز مطابق با نظریات فقهی و قانون مدنی ایران، اصطلاح «عقد» در نظام حقوقی به قراردادهایی اطلاق می‌شود که در فقه اسلامی به طور خاص و معین (عقود معین) مانند بیع و اجاره شناخته شده‌اند. در مقابل، قراردادهایی که تحت عناوین معین نیامده و تعارضی با قانون ندارند، در قالب «عقود نامعین» جای می‌گیرند (جلیلی، ۱۳۹۳ه.ش، ص ۱۱۵) که ایشان نظر به ماده ۱۰ قانون مدنی داشته‌اند.

حال پرسش این است که رابطه صلح و ماده ۱۰ قانون مدنی چیست؟ استاد جعفری لنگرودی بر این باور است که با توجه به وجود عقد صلح و مواد ۷۵۲ و ۷۵۴ قانون مدنی، اقتباس مفهوم ماده ۱۰ از نظام حقوقی غربی غیر ضروری و اضافی بوده است. بررسی انواع متنوع عقد صلح و دلایل فقهی مرتبط، نشان می‌دهد که وسعت داشتن عقد صلح، از ریشه‌های عمیقی در منابع فقهی برخوردار است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴ه.ش، ص ۲۶۵؛

طباطبایی و امینی، ۱۳۹۸ ه.ش، ص ۳۴۸)؛ همچنین دکتر صفایی نظرشان این است که عقد صلح و ماده ۱۰ قانون مدنی یکی است (صفایی، ۱۳۵۱ ه.ش، ص ۴۷۹). عده‌ای نیز درباره بی‌نیازی گفته‌اند که با توجه به ماده ده قانون مدنی نیازی به عقد صلح نیست (شهیدی، ۱۳۸۷ ه.ش؛ سالاری، ۱۴۰۰ ه.ش، ص ۲۶۲)؛ ولی دکتر کاتوزیان معتقد است این دو تفاوت‌هایی با هم دارند؛ چون ماده ۱۰ در عقود معین هم کاربرد دارد و از طرف دیگر مشمول صلح بودن نیاز به تصریح دارد. ماده ده فقط بین طرفین مؤثر است؛ ولی صلح ممکن است برای اشخاص ثالث هم اثر داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۶۸ ه.ش، ص ۳۰۴ - ۳۰۵). مشخص است که هدف تکافل، رعایت مقررات شرعی افزون بر مقررات قانونی است و ماده قانون مدنی اگرچه موافق نظر برخی فقیهان است (قمی، ۱۳۷۵ ه.ش، ص ۱۵۴)، اما موافق نظر مشهور فقیهان نیست و از طرف دیگر امکان انعقاد بیمه تحت عنوان صلح است؛ بنابراین به نظر می‌رسد محلی برای پیشنهاد الگویی طبق ماده ۱۰ قانون مدنی نیست.

۶. ریسک‌های قابل پوشش بر اساس منشأ وقوع

خطرها از دیدگاه منشأ حدوث و از نقطه نظر فرد یا افرادی که در ایجاد خطر دخالت دارند، به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) خطرهایی که اراده فرد یا افراد در تحقیق آنها مؤثر است؛ این‌گونه خطرها همواره با قصد قبلی یا عمد فرد یا افراد به وقوع می‌پیوندد و انگیزه چنین اعمالی بیشتر ملاحظات روانی یا ملاحظات مصلحتی یا سوءاستفاده است. درباره ملاحظات مصلحتی می‌توان به آتش‌سوزی عمدی توسط کارگران یک کارخانه به منظور رساندن صدای اعتراض خود به مدیریت کارخانه و در مورد سوءاستفاده می‌توان به ایجاد حریق در یک ساختمان قدیمی یا تجدیدبنای ساختمان اشاره کرد. از مصادیق بارز خطرهایی که در آنها ملاحظات روانی دخالت دارند، می‌توان به سهل‌انگاری بیمه‌گذاران در خصوص مراقبت از اموال بیمه‌شده اشاره کرد که در

قوانین بیمه ای نیز به آن اشاره شده و جریمه‌ای به صورت تقلیل تعهد بیمه‌گر برای آنان در نظر گرفته شده است (معینی، ۱۳۹۱ ه. ش، ص ۱۵). در موارد الف هیچ‌کدام به غیر از برخی فروض عمدی برای بقیه منع قانونی ندارد. این قبیل از جمله این است که خسارت بیننده به عمد موجب حادثه شده است؛ مثل اینکه شخصی به عمد خود را جلوی ماشین دیگری بیندازد که در این صورت بیمه‌ای به او تعلق نمی‌گیرد. همچنین اگر شخص بیمه‌گذار به عمد خسارت را ایجاد کند، مثل اینکه بیمه‌گذار به عمد کشتی بیمه شده خود را آتش بزند تا پولش را از بیمه بگیرد، اگر بیمه بفهمد، پولی به او نمی‌دهد. همچنین اگر شخصی خود را بیمه عمر کند و خودکشی کند، بیمه به وراثت یا ذی‌نفع او پولی نمی‌دهد. البته در بیمه عمر مطلق نیست، بلکه اگر هدف بیمه عمر این باشد، به ورثه او بیمه عمر تعلق نمی‌گیرد؛ چون مخاطرات اخلاقی وجود دارد و از آنجاکه مخاطرات اخلاقی برای بیمه ویژگی خاصی ندارد، این قبیل موارد قابل تکافل نیز نیست؛ اگرچه در برخی موارد مثل تلف عمدی مال به دلیل شرعی هم می‌توان گفت قابل بیمه‌گذاری نیست. همچنین مشمول بیمه بودن این قبیل موارد مخالف نظم عمومی اقتصادی و اخلاق حسنه است؛ از این رو این قبیل موارد عمدی قابل تکافل نیست. اینکه مشاهده می‌شود برخی خوانندگان و بازیگران برای قاتل‌های قتل‌های عمدی پول جمع می‌کنند، اولاً تکافل نیست؛ ثانیاً کمک‌های بعد از وقوع حادثه است؛ ثالثاً اگر همین هم اثبات شود، شخص جمع‌آوری کننده از قبل خبر داشت و قول کمک داده است، این قبیل کمک‌ها باطل است. ولی هر عمدی غیرقابل تکافل نیست؛ از این رو اگر کارخانه داری کارخانه‌اش را بیمه کند و کارگران آن را به عمد بدون اطلاع کارخانه دار آتش بزنند، از بیمه می‌تواند بگیرد و تکافل کردن آن هم امکان دارد. این قبیل خطرات بخش الف دوگونه هستند؛ خطراتی که پوشش آن نیازمند سرمایه زیادی است و خطراتی که پوشش آن نیازمند سرمایه زیادی نیست که برای این قبیل موارد گونه دوم می‌توان از صلح استفاده کرد.

ب) خطرهای ناشی از بی‌احتیاطی، عدم مهارت یا عدم رعایت مقررات؛ علت بروز این

خطرها انجام فعل یا ترك فعل از سوی فرد است بدون آنکه فرد در ایجاد حادثه، قصد و عمد قبلی داشته باشد. مهارت نداشتن در رانندگی، نقص وسیله نقلیه، بی احتیاطی در محیط کار، روشن کردن آتش در مکان‌های ممنوع، ورود به محل‌هایی که با علامت «خطر مرگ» یا «ورود برای افراد متفرقه ممنوع» مشخص شده و نظایر آنها از نمونه‌های مشخص این‌گونه خطرها هستند (معینی، ۱۳۹۱ ه.ش، ص ۱۵). این قبیل ریسک‌ها را تمامی الگوها حتی صلح پوشش می‌دهد؛ زیرا اولاً بی احتیاطی اگرچه وجود دارد، اما در عرف بیمه چنین مواردی قابل بیمه است؛ ثانیاً می‌توان گفت رفتار عمدی و تقصیر سنگین مانع صلح است و این قبیل موارد شبه عمد است.

ج) خطرهایی که اراده یا رفتار فرد در حدوث آنها دخالت ندارد؛ در این‌گونه خطرها، انجام فعل یا ترك فعل شخص در بروز خطر مؤثر نیست و نمونه‌های آنها حوادث طبیعی، تورم، جنگ و نظایر آنهاست (معینی، ۱۳۹۱ ه.ش، ص ۱۵). بیمه کردن این قبیل موارد از لحاظ قانونی و شرعی منعی ندارد و اگر شرکتی بخواهد، می‌تواند از صلح در این قبیل موارد استفاده کند.

نتیجه

ریسک و مخاطرات همواره جزء جدایی‌ناپذیر زندگی انسان‌ها بوده‌اند و بشر از گذشته‌های دور در جستجوی راهکارهایی برای کاهش آثار این ریسک‌ها بوده است. یکی از مهم‌ترین این راهکارها، استفاده از همکاری و کمک متقابل میان افراد بوده است. با گذر زمان و در عصر حاضر، پذیرش ریسک از سوی دیگران به صورت حرفه‌ای درآمدی است که این امر موجب کاهش نقش همکاری و همیاری در این فرایند شده است. نظام بیمه تکافل با ارائه رویکردی مبتنی بر مشارکت در ریسک به جای انتقال کامل آن، راه‌حلی جدید ارائه کرده است که ضمن کاهش نگرانی‌های ناشی از ریسک برای افراد، فرهنگ تعاون و همدلی را نیز تقویت می‌کند.

از سوی دیگر، بیمه‌های متعارف کنونی با مخالفت‌هایی از سوی برخی فقیهان اهل سنت مواجه بوده است که عمدتاً آن را از منظر شرعی ناپسند می‌دانند؛ همچنین برخی از فقیهان شیعه با این دیدگاه موافق به نظر می‌رسند. برای ایجاد نظام تکافل مطابق با تعالیم اسلامی، نیازمند بهره‌گیری از عقود پایه‌ای هستیم که چارچوب اجرایی این نظام را تعیین کنند. در این میان، عقد صلح به دلیل ویژگی‌های خاص خود، الگویی مناسب مطرح می‌شود؛ از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به این نکته اشاره کرد که عقد صلح برخلاف عقود مضاربه، جعاله و وکالت، عقدی لازم و معاوضی است که با قراردادهای بیمه که از نظر اقتصادی نیازمند استمرار و عدم امکان انصراف هستند، سازگاری بیشتری دارد.

با این حال، پذیرش عقد صلح بدون چالش نیست؛ از جمله چالش‌ها، بقای مشکل غرر و نظر برخی فقیهان درباره‌ی مستقل نبودن صلح و نظر برخی فقیهان شیعه و بیشتر فقیهان اهل سنت در مورد اختصاص داشتن صلح برای رفع تنازع است. با وجود این مشکلات، می‌توان گفت الگوی عقد صلح یکی از مدل‌های عملیاتی برای تکافل است که می‌تواند مطرح شود؛ زیرا سایر الگوهای پیشنهاد شده برای تکافل نیز بدون مطرح شدن ایراد نیستند. از آنجاکه طبق نظر بیشتر فقیهان شیعه، عقد صلح اختصاص به تنازع ندارد و عقدی مستقل است و در محصولات تکافل اگر تنوع باشد، باعث ترویج فرهنگ بیمه تکافل می‌شود، می‌تواند یکی از الگوهای تکافل باشد تا افراد موافق با عقیده مرجعشان این الگو را انتخاب کنند؛ به‌ویژه اینکه برخی فقیهان از جمله آیت‌الله وحید خراسانی و سید محمد کاظم طباطبایی یزدی عقد بیمه مستقل را صحیح ندانسته‌اند و گفته‌اند باید با عقود دیگر از جمله صلح به آن هدف دست یافت. از میان عقود، فقیهان شیعه ایده‌ی عقد صلح را بیشتر مطرح کرده‌اند.

تعداد صفحات مقاله محدودیت دارد؛ بنابراین امکان بررسی بیشتر وجود ندارد. از جمله بررسی‌هایی که به روشن شدن بیشتر موضوع کمک می‌کند، بررسی مبنایی فقیهان موافق هر الگو است؛ بدین بیان که فقیهان شیعه‌ای که نامی از الگوی صلح نبرده‌اند،

آیا درصدد ذکر برخی الگوهای صحیح برای بیمه به شکل اسلامی بوده‌اند یا اینکه از لحاظ مبنایی هم نمی‌توانستند الگوی صلح را برای بیمه قبول کنند که نیازمند بررسی مبنای اصولی و فقهی فقیهان است. پیشنهاد می‌گردد این الگو تحت عنوان رساله دکتری مستقل بررسی شود.

کتاب‌نامه

۱. ابادری، کبری. (۱۳۹۲ ه.ش). «احکام عاقله و مقایسه ضمان عاقله با مسئولیت بیمه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز. دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۲. ابن حمزه طوسی، عمادالدین ابوجعفر محمد بن علی. (۱۴۰۸ ه.ش). الوسيله الی نیل الفضيله. قم: مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی (ره).
۳. آزادبخت، فاطمه؛ و مهدی رشکوئییه جدیدی. (۱۴۰۳ ه.ش). «استخراج انگاره‌های فقهی تکافل از فتاوی بیمه‌ای مراجع و فقهای امامیه». پژوهشنامه بیمه. دوره ۱۳. ش ۴. ص ۳۶۱-۳۷۰.
۴. اعتصامی، سیدامیرحسین؛ و محمدجواد شریف‌زاده. (۱۳۹۲ ه.ش). «مدیریت عقود مشارکتی بانک‌ها براساس الگوی تکافل اصناف». اقتصاد اسلامی. س ۱۳. ش ۵۰. ص ۱۳۱-۱۵۹.
۵. آقامهدوی، اصغر؛ حمیدرضا اسمعیلی‌گیوی؛ و مجتبی کاوند. (۱۳۸۸ ه.ش). «بررسی الگوهای بیمه اسلامی (تکافل) مبتنی بر مضاربه از نظر سازوکارهای عملیاتی و فقهی (فقه امامیه)». جستارهای اقتصادی. دوره ۶. ش ۱۲. ص ۱۲۱-۱۴۸.
۶. المبادئ الارشادية لضوابط التامين التكافلي. (۲۰۰۹ م). المبادئ الخدمات الماليه السلاميه.
۷. امیرپور، حیدر. (۱۳۹۷ ه.ش). «بررسی مبنای فقهی و حقوقی بیمه تکافل و مقایسه آن با عقود مشابه». دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی. س ۷. ش ۱. پیاپی ۱۱. ص ۱-۲۳.
۸. پریراد، رضا؛ و زهرا شکوری. (۱۴۰۰ ه.ش). «آسیب‌شناسی سیاستگذاری نظام بیمه تکافل در صنعت بیمه ایران تأثیر آن بر توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران». پژوهش ملل. ش ۷۳. ص ۴۹-۶۹.
۹. پوراسماعیلی، علیرضا؛ و عباس برزویی. (۱۳۹۸ ه.ش). «نقد و بررسی تکافل بر مبنای قرارداد ودیعه». پژوهشنامه بیمه ۳۴. ش ۱. ص ۱۰۱-۱۱۱.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۴ ه.ش). حقوق مدنی (رهن - صلح). ج ۱. تهران: ابن‌سینا.

۱۱. جلیلی، عباس. (۱۳۹۳ ه.ش). «مبنای مشروعیت بازتوزیع مازاد صندوق تکافل در فقه و حقوق». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته الهیات. فقه و مبانی حقوق. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور (مرکز تهران جنوب).
۱۲. جمشیدی ندا؛ و مهدی طغیانی دولت‌آبادی. (۱۳۹۸ ه.ش). «برتری تکافل بر بیمه از منظر عدالت اقتصادی» نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی. دوره ۸. ش ۲۶. ص ۲۵ - ۵۰.
۱۳. جوادی‌پور، احمد؛ و همکاران. [بی‌تا]. مروری بر تکافل، تبیین وجوه اشتراک، افتراق و الزامات پیاده‌سازی. تهران: پژوهشکده بیمه.
۱۴. حبیبی، مرجان. (۱۴۰۲ ه.ش). «ویژگی‌ها، عوامل و موانع مؤثر بر پذیرش تکافل در صنعت بیمه با رویکرد داده‌بنیاد». فصلنامه اقتصاد اسلامی ۲۳. ش ۹۲. ص ۱۶۳ - ۱۹۳.
۱۵. حسینی عاملی، سیدمحمدجوادی. [بی‌تا]. مفتاح الکرامه. ج ۴. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۱۶. حصکفی حنفی، علاءالدین. (۱۴۱۵ ه). الدرالمختار. ج ۶. بیروت: دارالفکر.
۱۷. خضرزاده اردکانی، حمید. (۱۴۰۰ ه.ش). «مقایسه تکافل و بیمه از منظر فقهی و نظری و بررسی علل عدم تاسیس آن در ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علوم اقتصادی، اقتصاد مالی اسلامی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، پردیس علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه یزد.
۱۸. خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۹۹ ه.ش). تحریر الوسیله. موسوعه ج ۲۲. قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۹. خیاط، عبدالعزیز. (۱۳۹۲ ه.ش). المجتمع المتکافل فی الاسلام. بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۰. دادمرزی، سیدمهدی. (۱۳۹۲ ه.ش). فقه استدلالی (تحریر الروضة فی الشرح المعه). ج ۲۴. قم: انتشارات طه.
۲۱. دواپه، أشرف محمد. (۲۰۱۶ م). «رؤية استراتيجية لمواجهة تحديات التأمين التكافلي الاسلامي». بحث منشور فی مجلة الاقتصاد الاسلامي، العدد ۱۰۵، المجلد الثاني.
۲۲. رحمتی، مصطفی. (۱۴۰۱ ه.ش). «تحلیل مقایسه‌ای بیمه رایج و تکافل از منظر عدالت اجتماعی در تأمین منافع ذینفعان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و اقتصاد، گرایش اقتصاد اسلامی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد.
۲۳. رضایی اول، مریم. (۱۳۹۹ ه.ش). «بررسی فقهی حقوقی بیمه تکافل و بیمه شخص ثالث در حقوق ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر.
۲۴. رضوی اقدم، سارا. (۱۳۸۶ ه.ش). «دنیای مملو از تکافل». تازه‌های جهان بیمه. ش ۱۱۱.
۲۵. زاهد بخاری، محمد ابن عبدالرحمن. [بی‌تا]. محاسن الاسلام. بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. زحیلی، وهبة. (۲۰۰۸ م). الفقه الاسلامی وادلته. ج ۶. دمشق: دارالفکر.

۲۷. سالاری، محسن. (۱۴۰۰ ه.ش). «تفاوت مبنایی عقد صلح با ماده ۱۰ قانون مدنی». اولین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد، علوم اسلامی. تهران.
۲۸. سبزواری، محمدباقر. (۱۴۲۳ ه.ش). کفایه الاحکام. ج ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. سجادی، سیداحمد. (۱۴۰۱ ه.ش). «تضامن و تکافل اجتماعی در فقه اهل بیت علیهم السلام». رساله سطح چهار، رشته فقه اقتصادی. مجتمع آموزش عالی فقه، جامعه المصطفی ص العالمیه.
۳۰. سیدنورانی، سیدمحمدرضا؛ و دیگران. (۱۳۹۰ ه.ش). «تکافل، سازوکاری مناسب برای ارائه بیمه‌های خرد در مناطق روستایی ایران». جستارهای اقتصادی. ش ۱۶.
۳۱. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. (۱۴۱۵ ه.ش). الاشباه و النظائر. بیروت: دارالفکر.
۳۲. شربینی، الخطیب. [بی‌تا]. مغنی المحتاج. ج ۲. بیروت: دارالفکر.
۳۳. شهیدی، مهدی. (۱۳۸۷ ه.ش). شروط ضمن عقد (حقوق مدنی - جلد چهارم). ج ۲. تهران: مجلد.
۳۴. صادقی، محمد؛ و راضیه شایق نیک‌نفس. (۱۳۹۶ ه.ش). «استقلال یا عدم استقلال عقد صلح در فقه و حقوق ایران». حقوق ملل. ش ۲۵. ص ۴۹ - ۶۴.
۳۵. صفایی، سیدحسین. (۱۳۵۱ ه.ش). حقوق مدنی (تعهدات و قراردادها). ج ۲. تهران: مؤسسه عالی حسابداری (چاپ میهن).
۳۶. طباطبایی، سیدمحمد صادق؛ و محمد امینی. (۱۳۹۸ ه.ش). «عقد صلح و نسبت آن با ماده ۱۰ ق.م. از دیدگاه استاد جعفری لنگرودی». فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی. دوره ۲. ش ۵. ص ۳۴۸ - ۳۶۹.
۳۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین. [بی‌تا]. مناهل. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
۳۸. طوسی، محمد ابن الحسن ابن علی. (بی‌تا). مبسوط. تهران: حیدریه.
۳۹. عسکری، محمد مهدی؛ و مهدی محمدی. (۱۳۹۲ ه.ش). «تحلیل مقایسه‌ای الگوهای تکافل و آسیب‌شناسی آنها از منظر ذی‌نفعان». تحقیقات مالی اسلامی. ش ۵. ص ۱۵۳ - ۱۸۴.
۴۰. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ ه.ش). قواعد الاحکام. ج ۲. قم: مؤسسه النشر الاسلامی تابعه لجامعه المدرسین.
۴۱. عیسائی تفرشی، محمد؛ عباس کاظمی؛ و محمد الهی. (۱۳۹۷ ه.ش). «الگوی مضاربه عمومی تکافل در فقه امامیه و عامه». مجله پژوهشنامه میان‌رشته‌ای فقهی. س ۶.
۴۲. قره‌داغی، علی محی‌الدین. (۲۰۰۹ م). التأمين الاسلامی. لبنان: دارالبشائر الاسلامیه.
۴۳. قزوینی، ملاعلی. [بی‌تا]. صیغ العقود. چاپ سنگی.
۴۴. قمی، میرزاابوالقاسم. (۱۳۷۵ ه.ش). جامع الشتات. ج ۳. [بی‌جا]: کیهان.
۴۵. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۶۸ ه.ش). حقوق مدنی (مشارکت‌ها - صلح). ج ۲. تهران: گنج دانش.

۴۶. کیخا فرزانه، محمدامین؛ محسن اسماعیلی؛ و محمد مهدی عسکری. (۱۳۹۴ ه.ش). «تکافل خانواده در قالب الگوی وکالت از دیدگاه فقه امامیه، عامه و حقوق ایران». مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی ۴۸، ش ۱، ص ۱۲۳-۱۵۲.
۴۷. کیخا فرزانه، محمدامین. (۱۳۹۱ ه.ش). تکافل خانواده در فقه مذاهب اسلامی و حقوق ایران و مقایسه آن با بیمه عمر. پایان نامه کارشناسی ارشد، گرایش حقوق خصوصی، دانشگاه امام صادق، دانشکده معارف اسلامی و حقوق.
۴۸. گلپایگانی، سید محمد رضا، (۱۴۱۳ ه.ش). توضیح المسائل. قم: انتشارات دارالقران.
۴۹. گرجی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶ ه.ش). مقالات حقوقی. ج ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵۰. محمدی مهر، محمد حسن. (۱۳۸۵ ه.ش). «بررسی تطبیقی نظام بیمه و تأمین اجتماعی با نظام تکافلی اسلام». پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۵۱. مجدآبادی فراهانی، فرزانه؛ اصغری، سمیرا. (۲۰۲۵ م). «واکاوی عقد صلح در پرتو قوانین و مقررات مالیاتی»، پژوهشنامه مالیات. ش ۵۳، ص ۱۲۳-۱۴۳.
۵۲. مرعشی، محمد حسن. (۱۳۶۷ ه.ش). توضیح المسائل. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۳. معصوم بالله، مهدی. (۱۳۸۹ ه.ش). تکافل کاربردی و بیمه مدرن. ترجمه: سید محسن روحانی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۵۴. معلوف، لوپس. (۱۳۸۰ ه.ش). المنجد. ترجمه: مصطفی حیمیر اردستانی. تهران: صبا.
۵۵. معینی، حمید. (۱۳۹۱ ه.ش). مدیریت ریسک و ایمنی و نقش و جایگاه آن در ایمن سازی سازمانها (اصول و راهنمای عملی بیمه گران و مشاوران ریسک). تهران: اکباتان
۵۶. مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۱ ه.ش). فقه الامام جعفر الصادق. ج ۲. قم: مؤسسه انصاریان.
۵۷. ملحم، احمد سالم. (۲۰۱۲ م). التامین الاسلامی. دراسة شرعیة تبین التصور للتأمين التعاونی وممارساته العملية فی شركات. [بی جا]: [بی نا].
۵۸. موسوی اردبیلی، (۱۳۸۰ ه.ش). رساله توضیح المسائل. قم: نجات.
۵۹. میرزایی، حبیب؛ و آتوسا میرزاخانی. (۱۳۸۴ ه.ش). «مفهوم و چشم انداز بیمه اسلامی». آسیا، ش ۳۴، ص ۳۱-۶۱.
۶۰. نجفی، محمد حسن. [بی تا]. جواهرالکلام. ج ۲۶. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۶۱. همتی، مهدی؛ علیرضا حسینی؛ و محسن طاهری. (۱۴۰۰ ه.ش). «بررسی تحلیلی بیمه اتکایی عمر و تکافل خانواده از منظر فقه و حقوق موضوعه». فصلنامه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی. س ۱۴، ش ۴.
۶۲. ویسی، حسین. (۱۳۹۸ ه.ش). «بررسی فقهی - اقتصادی مدل های مختلف تکافل و ارائه مدل بهینه (کاربردی) برای اقتصاد ایران». پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته، رشته معارف اسلامی و اقتصاد، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد.

- Archer, Simon .Abdel Karim, Riffat Ahmed (2009), Nienhaus, Volker ,Takaful Islamic insurance: Concepts and regulatory issues. Singapore: John Wiley & Sons (Asia), pp. 63–4.
- Billah, M (2003), Islamic insurance (takafu). Kulalalampur: Malaysia.
- Jaffer, Soheil (2007),Islamic Insurance, Trends, Opportunities & the Future of Takaful, Euromoney Books.
- Norazah, A. (2002), “Concept of Takaful.” Geocities. Accessed July 20, 2025. <http://www.geocities.com/Norazah1/takafuleng.html>
- Salahuddin, Ahmad (2006), Islamic Banking, Finance & Insurance, A Global Orervie, Gombak , Kualampor.